

## شعرهای انقلابی مه ۶۸

شاعران: ناشناس  
ترجمه‌ی: نفیسه نواب‌پور

پول،  
اتم،  
سیاست،  
استثمار،  
بردگی،  
بی عدالتی.

نشان‌شان چماق است  
نیروی که ما را از هم می‌پاشد.  
سنگر ما، فریاد اعتراض ماست  
جنگ ما، نبرد روز است با شب  
آزادی به کار نوشتن جهد ماست.

بیا رفیق،  
به سنگرهای ما ملحق شو  
خورشید در دستان ما می‌درخشد.

۱  
پاریس، هرگز  
چون امشب سرخ نبوده.  
در این سه روز  
رویایا بر برانکاردها رفته‌اند  
رویاهایی که مرا سر پا نگه می‌داشتند  
و با انفجار نارنجک‌ها  
نورافشان می‌شدند.

\*\*\*

۲  
بابای خوبم  
تو هرگز چیزی که من هستم نبوده‌ای  
رنجم را بگاه!  
گوشت، روانداها...  
در آتش می‌سوزم  
شبیه آتش گرفتن سیگار.  
باد  
و گرسنگی،  
مدام به من می‌گویند که آزادم.  
آزادم از تو،  
سرورم.

\*\*\*

۳  
رفیق،  
از من می‌پرسی که چرا سنگر می‌سازیم  
به تو جواب می‌دهم،  
رفیق:  
مرگ چون قطاری از خیابان‌ها می‌گذرد  
در هر تقاطع  
هزارها سایه از مرگ ما را می‌پایند.  
نام‌شان: